

دارالترجمه همایونی نخستین اقدام وزارت انطباعات در باب ترجمه

پروانه حسن زاده^۱، غلامحسین زرگری نژاد*^۲، رضا شعبانی صمغ آبادی^۳

تاریخ دریافت: ۹۸/۸/۱۸ تاریخ تایید: ۹۸/۱۲/۱۲

چکیده

«دارالترجمه همایونی» یکی از بخشهای فعال «اداره انطباعات» بود که به فرمان ناصرالدین شاه و به همت محمدحسن خان اعتمادالسلطنه در ۱۳۰۰ ق تاسیس گردید. این مجموعه در عرف آن دوره سازمان وسیعی محسوب می‌شد که با به کارگیری مترجمین حاذق علاوه بر ترجمه آثار خارجی و گسترش زبان‌آموزی، چاپ و نشر آثار اروپایی را در دوره ناصرالدین شاه رونق بخشید. چگونگی شکل‌گیری «دارالترجمه همایونی» و ارتباط آن با دارالطباعة عصر ناصری و تاثیر آن بر ترجمه و نشر آثار غربی در ایران مسئله‌ای است که تاکنون به آن پرداخت نشده است. در این پژوهش که در چارچوب مطالعه تاریخی و بررسی منابعی چون روزنامه‌ها و کتب عصر ناصری صورت گرفته است مشخص می‌شود این مجموعه در زمان تصدی اعتمادالسلطنه از طریق سازماندهی و هدایت مترجمین و همچنین بهره‌گیری از پتانسیل‌های موجود در «دارالطباعة» تحولی بزرگ در زمینه ترجمه، چاپ و انتشار آثار متعدد از زبانهای گوناگون پدید آورد و عصر ناصری را به لحاظ کثرت آثار ترجمه شده نسبت به دوره‌های پیشین متمایز ساخت.

واژگان کلیدی: اعتمادالسلطنه، ناصرالدین شاه، اداره انطباعات، دارالترجمه همایونی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- دانشجوی دکتری رشته تاریخ اسلام، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
parvane_h85@yahoo.com

۲- نویسنده مسئول) استاد رشته تاریخ، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
zargari_53@gmail.com

۳- استاد تاریخ، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
a. khandaghabadi@yahoo.com

مقدمه

اولین تجربه‌های ایران در ارتباطات فرهنگی دوره قاجار، ترجمه بود. نخستین گام استوار و اساسی در ترجمه متون اروپایی در زمان عباس میرزا برداشته شد. (افشار، ۱۳۸۱: ۸۰) و نهضت ترجمه توسط برخی از مترجمین دربار مسیر خود را آغاز کرد. هرچند با مرگ زود هنگام ولیعهد و کم‌توجهی محمدشاه به انجام اصلاحات، امر ترجمه کتاب از زبان‌های فرنگی به فارسی با کندی به پیش رفت. ولی در این روره با پی‌گیری سیاست نشر و ترجمه توسط حاج میرزا آقاسی (آغاسی)، صدر اعظم، فهرستی از کتب با موضوعات گوناگون تنظیم و در اختیار سفیر فرانسه قرار گرفت تا آنها را تهیه و به ایران بفرستد. بررسی آثار ترجمه و منتشر شده، می‌تواند از وضع نشر کتاب در آن دوره تصویر دقیق‌تری به دست دهد. البته همه آثاری که در دوره محمد شاه ترجمه گردید انتشار نیافت و به صورت خطی باقی ماند، اما شماری دیگر با حمایت و هزینه دولتی منتشر شد. (آذرنگ، ۱۳۹۵: ۶۹ و ۶۷)

بررسی‌ها نشان می‌دهد در زمان ناصرالدین شاه به علت ضرورت‌های برآمده از ارتباط با دول خارجی و الزام برخورداری از امکانات فکری و فرهنگی غرب اهمیت ترجمه بار دیگر برای حکومت قاجار و طبقه موقی و روشنفکر جامعه ایران مطرح شد و زمینه برای تأسیس نهادی به نام «دارالترجمه همایونی» فراهم گردید. نهادی که ضمن برآوردن نیازهای حکومت مبنی بر ترجمه قراردادهای و مطالب سیاسی و اقتصادی با نظارت بر ترجمه آثار فکری و فرهنگی، نسخه دلخواه حکومت را در دسترس مخاطبان و علاقمندان آثار غربی قرار می‌داد. (بختیار و عرب‌زاده، ۱۳۸۸: ۱)

یکی از اقدامات مهم که زمینه را برای ایجاد چنین نهادی فراهم نمود. تأسیس «دارالفنون» بود که در پرتو سیاست نوسازی میرزا تقی خان امیرکبیر صورت گرفت. دارالفنون، نخستین نهاد آموزش عالی در ایران با اسلوب جدید توانست با پرورش مترجمانی تازه، تحول در ترجمه از زبان فرانسوی و نشر آثار خارجی را در ایران به مرحله تازه و بی سابقه‌ای برساند و با چاپخانه کوچکی که در اختیار داشت کتب بسیاری را انتشار دهد. (آذرنگ، ۱۳۹۵: ۸۰) بعد از امیر مسئله ترجمه در سالهای بعد توسط محمد حسن خان [اعتمادالسلطنه] مورد توجه خاص قرار گرفت. اعتمادالسلطنه که ابتدا به عنوان «پیشخدمت و مترجم حضور همایون» در دربار مشغول به خدمت بود به علت تسلط بر زبان فرانسه، کتب و روزنامه‌های خارجی را برای شاه ترجمه می‌نمود. در اندک زمانی توانست با جلب نظر ناصرالدین شاه و فراخواندن مترجمین ایرانی و

خارجی با اختصاص محلی مشخص برای ترجمه، رویای خویش را که تاسیس مرکزی مستقل جهت ترجمه بود به واقعیت تبدیل کند. مقاله حاضر درصدد بررسی چگونگی تاسیس «دارالترجمه همایونی»، نقش و کارکرد آن و همچنین ارتباط این بخش با سایر بخش‌های وزارت انطباعات می‌باشد و بطور اجمالی به نقش افراد موثر در امر ترجمه از اوایل دوره قاجار تا سلطنت ناصرالدین شاه اشاره می‌کند.

بیان مسئله

جنگ‌های ایران و روس و پیامدهای مختلف آن عامل مهم بیداری نسبی ایرانیان در سده سیزدهم قمری بود. عباس میرزا و قائم مقام در مقام تصمیم‌گیرنده و برنامه‌ریز کشور در این مقطع زمانی، پس از قبول شکست به تکاپو افتادند تا شاید بتوانند کشور را از ورطه سقوط و نابودی نجات دهند. ضرورت آگاهی و شناخت از اوضاع سیاسی-اجتماعی کشورهای متری و تحولات آنها، آشنایی با دانش فنی جدید در زمینه‌های مختلف نظامی و صنعتی و اخذ آن، آشنایی به جغرافیای عالم و به‌طور کلی هرگونه اطلاعاتی که به نحوی فاصله ایجاد شده با دنیای پیشرفته را کم کند و موجبات ارتقای توان سیاسی، نظامی و فنی کشور شود موجب شد تا نوسازی همه جانبه‌ای در جهت تاسیس تمدن جدید آغاز گردد. در همین ایام با ورود صنعت چاپ به ایران کمک بسیاری به نشر و ترجمه کتابهای مورد نیاز برای پاسخ‌گویی به معضلات طرح شده صورت گرفت. (میرهادی، ۱۳۸۱: ۵۹)

در میان جریان اصلاحاتی که در تبریز آغاز شده بود. توجه خاص عباس میرزا (نائب السلطنه) به امر ترجمه آثار اروپایی موجب شد تا تعداد محدودی از مترجمین که اغلب از درباریان بودند این مهم را به انجام رسانند. با ترجمه چند اثر در عهد فتحعلی شاه و عباس میرزا پرونده این دوره بسته شد و دورانی جدید با مسائلی نو آغاز گشت.

توجه محمدشاه (۱۲۵۰-۱۲۶۴ق) و همچنین حاج میرزا آقاسی (صدر اعظم) به برخی از اصلاحات دوره پیشین موجب شد تا با تعقیب سیاست اعزام دانشجویان به خارج مترجمین جدیدی وارد عرصه ترجمه شوند. در این زمان سفارش کتابهایی با موضوعات علوم طبیعی، فیزیک و شیمی، علوم عملی، جغرافیا و تاریخ نیز به خارج داده شد. (ناطق، ۱۳۶۸: ۲۴۳-۲۴۰) با نگاهی به فهرست این کتابها که با موضوعات صنعتی، پزشکی، علوم انسانی، جغرافیایی، علوم نظامی، ادبیات و هنر بود به روشنی مشغولیات ذهنی و گرایشات فکری زمانه را بازگو می‌شود

شاید در این هنگام هیئت حاکمه ایران متوجه هماهنگی و ارتباط متقابل بین علوم انسانی و تجربی و علوم طبیعی در اروپا شده بود و یا دست کم به آنان چنین فهمانده شده بود. به هر حال به اعتقاد ما توجه به این موضوعات، بلندپروازی‌های عناصر موجود در بدنه دربار ایران، در آن زمان را می‌رساند. (میرهادی، ۱۳۸۱: ۶۲) در دوره ناصرالدین شاه، امیرکبیر نخستین صدر اعظمی بود که در دستگاه اداری خود هیئتی از مترجمان را گرد آورد. این افراد را اتباع فرنگی مستخدم دولت، ایرانیان مسیحی و شاگردان ایرانی که در فرنگ درس خوانده و یا در ایران چیزی آموخته بودند تشکیل می‌داد.

در سال ۱۲۶۵ ق تعداد دویست و نود و سه جلد کتاب از فرانسه یک‌جا رسید. موضوع این کتابها که ظاهراً سفارش دوره محمدشاه بود. بیشتر علوم طبیعی، صنعت، زراعت و تجارت، اقتصاد، سیاست و قوانین معدن‌شناسی، نظامی، طب و بیطاری بود. روند ترجمه و نشر کتاب با رونق دارالفنون و ورود استادان خارجی و فارغ‌التحصیلی نخستین محصلان آن مدرسه و نیز فعالیت درالطباعة و دارالترجمه وابسته به وزارت علوم توسعه بیشتری یافت. پس از دوره امیر، حضور محمدحسن خان اعتمادالسلطنه در دربار ناصر (۱۲۸۴ ق) با سمت مترجمی ناصرالدین شاه فرصتی فراهم نمود تا وی بعنوان رئیس دارالترجمه (۱۲۸۷ ق) و وزیر انطباعات (۱۳۰۰ ق) فعالیت فرهنگی خود را توسعه دهد.

«اعتمادالسلطنه» هنگام وزارت حلقه‌ای از جوانان زبان‌دان را برای ترجمه کتابهایی به زبان فرانسوی و انگلیسی و عربی و هندی تشکیل داد و در «دارالترجمه همایونی» که با همت وی و همچنین حمایت ناصرالدین شاه تاسیس شد. با ترجمه کتابهای خارجی، مقالات و سایر مطالب دریچه‌های جدیدی را به روی جامعه ایرانی خاصه اقشار تحصیل کرده آن، هرچند تعدادشان اندک بود، گشود و آنان را با نیازهای تازه دیگر آشنا ساخت. به اعتقاد ما اگرچه در حوزه‌های علوم جدید تعداد این کتابها ناچیز بود ولی برای طرح سؤال در اذهان آگاه همین اندازه نیز کافی بود.

پرسش‌های تحقیق

این مقاله در صدد است :

- ۱- به کنکاش در شالوده و زیر ساخت‌ها و کارکرد اجتماعی دارالترجمه همایونی در عصرناصری بپردازد و چگونگی تاثیر سیاست‌های اتخاذ شده اعتمادالسلطنه بر فعالیت دارالترجمه در بافت دوگانه سیاست و شخصیت ناصرالدین شاه را بررسی کند.

روش‌شناسی تحقیق

در این تحقیق با مطالعه نشریات و منابع دست اول و دوم تاریخی سعی می‌شود. روند شکل‌گیری پایه‌های اولیه ترجمه در عصر قاجار از زمان عباس میرزا تا ایجاد مرکزی به نام «دارالترجمه همایونی» در وزارت تازه تاسیس «انطباعات» مورد بررسی قرار گیرد. همچنین به شیوه جامعه‌شناسان تاریخی تفسیری که به دنبال تفسیرهای معنادار و مهم از تاریخ هستند و توجه دقیق خود را به نیات و مقاصد فرهنگی بازیگران فردی یا گروهی موجود در صحنه‌های تاریخی مشخص و مورد بررسی معطوف می‌کنند. به نقش و نیات افرادی چون عباس میرزا، امیرکبیر و محمد حسن خان اعتمادالسلطنه و همچنین ناصرالدین شاه در امر ترجمه آثار اروپایی با توجه به شرایط اجتماعی آن دوره اشاراتی کند

هرچند هیچ دستورالعمل مکانیکی و نسخه آماده‌ای درباره روشهای مناسب جامعه‌شناسی تاریخی وجود ندارد. ولی در قلمرو فعالیت عملی تحقیق، جامعه‌شناسان می‌توانند روشهای آرشیوی را از مورخان بگیرند و یا از آثار مورخان همچون «منابع دست دوم» مدارک و شواهد استفاده کنند. (اسکاچپول، ۱۳۸۸: ۵۱۱-۵۰۷)

اما آنچه که در این گونه مطالعات تک موردی مهم است توجه به جهت‌گیری بازیگران و نیز زمینه‌های نهادی و فرهنگی‌ای که در آن عمل می‌کنند می‌باشد. همچنین که در جامعه‌شناسی تاریخی تفسیری موضوع‌گزینه شده برای مطالعه تاریخی و انواع بحث و استدلال‌های ارائه شده درباره آن از نظر فرهنگی و یا به لحاظ سیاسی، می‌تواند «مهم» باشد. بررسی زیر ساخت‌ها و کارکرد اجتماعی دارالترجمه همایونی و تاثیر سیاست‌های اتخاذ شده اعتمادالسلطنه بر فعالیت دارالترجمه در عصر ناصری نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. شکل‌گیری بخشی از قشر روشنفکر جامعه که بعدها در انقلاب مشروطه نقش آفرین شدند تا حدود زیادی مرهون آثاری است که در این دوره ترجمه و انتشار یافته است. هرچند سیاست دوگانه ناصرالدین شاه که بدنبال اصلاحاتی برای نوگرایی و اخذ تمدن اروپایی بود. همواره مانعی در برابر نشر اندیشه‌های سیاسی و ترویج افکار مشروطه خواهی در ایران بود و به شدت از ترجمه آثاری که باب میل وی نبود جلوگیری می‌کرد. ولی روند رو به رشد ترجمه که از زمان عباس میرزا آغاز شده بود با تمام محدودیت‌های اعمال شده از سوی ناصرالدین شاه و اعتمادالسلطنه در «دارالترجمه همایونی» همچنان با سرعت به پیش می‌رفت و حوادث جدیدی را رقم می‌زد.

پیشینه ترجمه در دوره قاجار

با نگاهی به دوره‌های پیشین می‌توان دریافت که ترجمه از زبانهای مختلف از دیر باز در ایران مرسوم بوده با این حال ترجمه و چاپ کتاب از روزگار عباس میرزا و وزارت قائم مقام اول در تبریز آغاز شده است. (بیانی، ۱۳۷۵: ۳۱۲) در این دوران امور ترجمه اعم از ترجمه آثار یا امور دیوانی- از جمله مسائل سیاسی- به صورت جسته و گریخته و نه براساس نظام هدفمند و تنها بر تخصص یا آشنایی نسبی افرادی چند به زبان‌های خارجی و فرنگیان آشنا به زبان فارسی انجام می‌شد.

در کنار اجرای برنامه‌های نوگرایانه عباس میرزا (نائب‌السلطنه) در خصوص نوسازی ارتش و فرستادن دانشجویان به اروپا، نیاز به مترجمینی برای ترجمه و تألیف و چاپ کتاب (دنبلی، ۱۳۸۳: ۲۱۸ و ۵۰۹) در زمینه دانش‌های نو بیش از پیش احساس گردید. هرچند با حضور تعداد معدودی از درباریان قاجار همچون مسعود انصاری گرمودی، عسگرخان افشار (سفیر فتحعلیشاه در پاریس) و برادرزاده‌اش که آشنا به زبان فرانسه بودند به همراه تنی چند از شاهزادگان از جمله فرهاد میرزا، بهرام میرزا که زبان انگلیسی می‌دانستند. (محبوبی اردکانی، ۲۵۳۵: ۴۳) تاحدودی مشکل ترجمه حل شد. ولی بدیهی است که این تعداد محدود از مترجمین قادر به رفع نیازهای عباس میرزا نبودند و ضروری بود اقدامی جدی برای رفع مشکل موجود صورت می‌گرفت. اعزام دو گروه از محصلین ایرانی به انگلستان به دستور نائب‌السلطنه گام استوار و اساسی برای ترجمه متون اروپایی بود که به دستور عباس میرزا انجام گرفت.

در میان این گروه، مهندسی به نام میرزا رضا تبریزی که در امور قلعه‌سازی و سنگربندی و سایر مسائل نظامی درس خوانده بود بیش از دیگران در ترجمه اهتمام داشته است. از ترجمه‌های او می‌توان «تاریخ پطر کبیر» و «تاریخ ناپلئون» را نام برد. میرزاجعفرخان مشیرالدوله یکی دیگر از شاگردان اعزامی به اروپا بود کتاب «خلاصه الحساب» را به ترجمه درآورده است. (افشار، ۱۳۸۱: ۸۰) می‌دانیم در این عهد «جیمز کمل» انگلیسی از معلمین اروپایی که در آذربایجان مشغول خدمت بود، نیز «تاریخ اسکندر» را در سال ۱۲۲۸ق به فارسی ترجمه کرد. این کتاب به همراه «تاریخ پطر کبیر و شارل دوازدهم» اثر معروف ولتر فیلسوف فرانسوی در سال ۱۲۶۳ق در یک مجلد به چاپ رسید. (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۰: ۲۲۷-۲۲۶) شاید اگر مرگ زود هنگام نائب‌السلطنه فرا نمی‌رسید. «نهضت ترجمه» توسط مترجمین بیشتری مسیر خود را طی می‌کرد. اما این امر پس از عباس میرزا ولیعهد ترقی‌خواه قاجار،

همچون سایر اصلاحاتش تا مدت‌ها همچون سایه‌ای بیش‌نماند و در دوره محمد شاه (۱۲۶۴-۱۲۵۰ق) با شتاب کمتری تداوم یافت. هرچند آثار ترجمه و منتشر شده در عصر محمدشاه گویای این است که شمار کتابهایی که در این دوره تالیف شده رقم در خور توجهی نیست، با این حال محمدشاه در تعقیب سیاست پدرش در فرستادن دانشجو به خارج از کشور توانست شماری از جوانان را پرورش دهد که بعدها در نشر آثار ترجمه شده به فارسی در عصر ناصری بسیارفعال بودند. از شاخص‌ترین این افراد می‌توان به میرزا حسین خان (سپهسالار)، میرزایحیی خان (مشیرالدوله) و میرزا ملکم خان اشاره کرد که مترجمی بسیار چیره‌دست از کار در آمد و در نثر نویسی، صاحب قلم و سبک گردید. (آذرنگ، ۱۳۸۹: ۱۹۵)

حاج میرزا آقاسی، صدر اعظم محمدشاه نیز گذشته از پی‌گیری این سیاست، به دانش و فرهنگ غربی علاقه نشان می‌داد. وی هنگامی که محمدعلی خان به سفارت پاریس منصوب شد فهرستی از کتب علمی و فنی فرنگی را که توسط «ریشارخان» فرانسوی تهیه شده بود به سفیر سفارش داد تا در بازگشت به ایران آنها را با خود بیاورد. (افشار، ۱۳۸۱: ۸۰) در این فهرست دو دانشنامه، چند واژه‌نامه زبانی و موضوعی، آثاری از پاسکال، دکارت، سیسموندی، کتابهایی در باب علوم طبیعی، فیزیک و شیمی، علوم عملی نظیر ذوب فلزات، کشتی‌سازی، نقشه‌برداری، جغرافیا و نیز در زمینه تاریخ و خاطرات و حوزه‌های دیگر دیده شده است. (ناطق، ۱۳۶۸: ۲۴۳-۲۴۰) اهمیت این فهرست از این روست که عنوانهای کتابهای در خواستی به روشنی مشغولیات ذهنی و گرایشات فکری زمانه را بازگو می‌کند.

پس از محمدشاه و آغاز سلطنت ناصرالدین شاه در پی بروز نیازهای سیاسی و علمی جدید، بنا کردن نظامی کم و بیش مستقل در ترجمه و جذب نیروهای متخصص در این زمینه بیش از پیش احساس گردید. خصوصا این که هنگام مذاکرات امیرکبیر با روسها وی در نامه‌ای به مشیرالدوله «از نیافتن مترجم برای کمیسیون سرحدی» شکایت کرده و از وی خواسته بود تا مشکل را به نحوی برطرف نماید. (آدمیت، ۱۳۶۲: ۳۷۹) هیئت مترجمینی که به دستور امیر در این دوره شکل گرفت. از اتباع فرنگی مستخدم دولت، ایرانیان مسیحی و شاگردان ایرانی بودند که در فرنگ درس خوانده و یا در ایران چیزی آموخته بودند. یکی از مشهورترین آنان که از سوی صدر اعظم به عنوان مترجم پذیرفته شد. میرزا ملکم‌خان (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۵۴۸) بود که طی فرمانی با مقرری سیصد تومان، «مترجم وزارت دول خارجه» گردید. (آدمیت، ۱۳۶۲: ۳۷۹) ادوارد برجیس (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۵۲۰-

(۵۱۹) که سابقه زیادی در کار چاپ و چاپخانه داشت نیز از سوی امیر به عنوان مترجم و مدیرمسئول (محیط طباطبایی، ۱۳۶۶: ۶۰) امور اداری و مالی و روابط عمومی روزنامه وقایع اتفاقیه تعیین شد. (وقایع اتفاقیه، ش ۱۵۶، ۱۲۷۰ق: ۲) از اشخاص دیگری که در این دوره بعنوان مترجم مشغول به کار شدند می‌توان به ریشار خان فرانسوی، آندره نمساوی، جان داود خان و برادرش، میرزا ابراهیم عموی ملکم، نظر آقا، یحیی خان مشیر الدوله، حاج میرزا حسن، میرزا آقا تبریزی، میرزا محبعلی یکانلو، میرزا عبدالرسول مهندس اصفهانی، میرزا زکی خان علی آبادی، محمد قلی خان، محمد رضا کاشانی و محمد حسن قاجار اشاره کرد. (آدمیت، ۱۳۶۲: ۳۷۹) آنچه که در دستگاه دولت از این مترجمین خواسته می‌شد، ترجمه آثاری همچون حقوق بین الملل ملل، علوم و فنون جدید، بهداشت عمومی، مهندسی، علم مالیه و تجارت، آیین حکومت داری، آبیاری، علوم طبیعی و چند رشته دیگر بود. سیاست انتشاراتی دوره امیرکبیر پشتیبان سیاست توسعه و نوسازی و سیاست روشنگریش بود. اگر دوره صدارت امیر کوتاه نبود کارنامه انتشارات عصر ناصری قطعاً جز این بود. با این حال نشر دولتی در دوره پس از وی در مسیر و با سرعت دیگری حرکت کرد. (آذرنگ، ۱۳۸۸: ۲۰۶) مسیری که با تأسیس دارالفنون و گشایش آن در ۵ ربیع‌الاول ۱۲۶۸ ق (اعتمادالسلطنه، منتظم ناصری، ۱۳۶۷: ۱۷۲۶) آغاز شد و در بهبود ترجمه تأثیر گذاشت.

بدین ترتیب که با ورود معلمین اروپایی که برای تعلیم عمومی چون هندسه، طب و جراحی، معدن، داروسازی و نظامی‌گری به استخدام دارالفنون درآمدند. مترجمینی «برای مدرسه تعیین» (اعتمادالسلطنه، مرآة البلدان، ۱۳۶۷: ۱۷۲۶) شدند تا در امر تدریس به هیات آموزشی دارالفنون کمک کنند. از آنجا که زبان تدریس در مدرسه، فرانسوی بود. محصلانی که پیش‌تر در دوره محمدشاه در فرانسه درس خوانده بودند، وظیفه مترجمی را در کلاسهای درس بر عهده داشتند. با گذشت زمان برخی از شاگردان با استعداد دارالفنون، به زبان فرانسوی و یکی از رشته‌های علمی یا فنی تسلط یافتند و از میان آنها نخستین مترجمان منابع علمی از زبان فرانسوی به فارسی ظهور کردند. (آدمیت، ۱۳۶۲: ۱۶۳) و تحول در ترجمه از زبان فرانسوی و نشر آنها در ایران به مرحله تازه و بی‌سابقه‌ای راه یافت. (آذرنگ، ش ۷۱، ۱۳۸۸: ۲۰۳)

جدول شماره ۱: اسامی مترجمین و معلمین اولیه دارالفنون^۱

ردیف	معلمین	رشته تدریس	مترجمین
۱	بارون گومونز ^۲	پیاده نظام	میرزا زکی خان
۲	کرزیز (کرشیش)	توپخانه و ریاضی	میرزا زکی خان
۳	مسیو زطی (کولوسطی)	حساب و هندسه	میرزا ملکم خان
۴	پولاک	طب و جراحی	محمدحسین خان قاجار
۵	چارنوتا	معدن شناسی	میرزا رضا کاشانی - میرزا آقا تبریزی
۶	فوکته‌تی (کاکاتی)	دواسازی و طبیعیات	میرزا رضا کاشانی
۷	نمیرو (رمیرو)	سواره نظام	آندره خیاط اطریشی

برخی از شاگردان دارالفنون به همراه معلمین مدرسه آثار بسیاری در زمینه علوم پایه، پزشکی و نظامی ترجمه و تألیف کردند. آثاری همچون علم موزیک، جبر، علم مساحت، میزان الحساب، جلاء‌العیون در کحال، علم توپخانه و استحکام و فلسفه طبیعی و مکانیک (براون و تربیت، ۱۳۴۱: ۱۳۹-۱۳۸) و غیره به همراه دهها کتب تاریخی و ادبی نظیر شرح حال ولتر، تاریخ فردریک کبیر، تاریخ مفصل لویی چهاردهم در چاپخانه مخصوص مدرسه (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۰: ۲۶۸) به چاپ رسید و در اختیار علاقمندان قرار گرفت. بسیاری از این کتابها در زمان محمدشاه سفارش شده بودند و در سال ۱۲۶۵ ق یک جا از فرانسه به ایران رسیدند. (آدمیت، ۱۳۶۲: ۳۸۱-۳۸۰) ظاهراً نخستین کتابی که در دارالفنون ترجمه و چاپ شد کتاب «تشریح بدن انسان» تألیف دکتر پولاک (وقایع اتفاقیه، ش ۱۵۷، ۱۲۷۰ ق: ۲) بود که توسط محمدحسین خان قاجار ترجمه و به خط شیخ جلیل فرزند زین‌العابدین اصفهانی در روز یکشنبه ۲۵ رجب ۱۲۷۰ ق چاپ آن پایان گرفت. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۵۵۴) منشأ بسیاری از اصطلاحات و لغاتی که در تشریح فارسی به کار می‌رود از این کتاب است. پس از آن کتابی در تاکتیک، ترجمه ملکم‌خان به زیر چاپ رفت. (وقایع اتفاقیه، ش ۱۷۳، ۱۲۷۰ ق: ۲)

از میان مترجمین اولیه دارالفنون می‌توان به میرزا زکی خان مازندرانی که از محصلین اعزامی محمدشاه به فرانسه و یکی از پرکارترین مترجمان بود اشاره کرد. وی کتب تاریخی

۱ اطلاعات جدول از این منابع استخراج شده است: اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۵۵۰ و ۵۵۴ - اعتمادالسلطنه، مرآة البلدان، ۱۳۶۷: ۱۰۷۹ و ۱۰۸۶ - وقایع اتفاقیه، ش ۹۸، ۱۲۶۹ ق: ۲-۳.

2 Cumones , Krziz ,Zattie , Polka ,Carnota , Lemaire

بسیاری همچون تاریخ گل (فرانسه)، تاریخ امپراطوری عثمانی اثر هامرپور گشتال و ذیل آن از هانری ماتیه را ترجمه کرده است. (کیان فر، ۱۳۸۴: ۹۲) با گذشت زمان و پس از تغییراتی که در هیأت معلمین اروپایی دارالفنون رخ داد. افراد جدیدی همچون مهدیقلی خان هدایت (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۰: ۲۹۱) - مخبرالسلطنه بعدی- در جرگه مترجمین دارالفنون قرار گرفتند. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۶۹۸) مهدی قلی خان اولین ایرانی بود که در آلمان دیپلم گرفته بود. او با آمدن وت آلمانی (۱۳۰۰-۱۲۹۹ ق) برای تدریس پیاده نظام در دارالفنون به خدمت گرفته شد. (اعتمادالسلطنه، ۲۵۳۵: ۵۱) و در مدرسه مترجم معلمین آلمانی و اتریشی گردید.

با افزایش فعالیت مترجمین در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه و با تسلط دانش‌آموزان به زبانهای خارجه «کتب مفیده و علمیه زیاد [ی]» ترجمه و تألیف گردید. (اعتمادالسلطنه، منتظم ناصری، ۱۳۶۷: ۱۸۹۸) به گفته لرد کرزن که در ۱۳۰۷ ق از این مدرسه بازدید داشته است. از میان ۳۸۷ تن از محصلان مدرسه، ۴۵ تن زبان فرانسوی، ۳۰ تن انگلیسی و ۲۰ تن روسی می‌آموختند. او از توانایی شاگردان در ترجمه حکایتی از فرانسه به فارسی چنین یاد کرده است: (کرزن، ۱۳۶۷: ۶۳۸)

«... در روز درس غالب این اطاقها را گردش نمودم و در اطاق فرانسه شاگردان پس از دریافت کردن چند لغت از معلم، حکایات کوچک ترکیب می‌کردند و از کتاب کلمات دیکته می‌نمودند و همان کتاب را نیز بفارسی ترجمه می‌کردند...»

هم‌زمان با گسترش دامنه فعالیت دارالفنون در امر ترجمه، کم‌کم میان افراد دیگری که رابطه مستقیم با دستگاه تعلیماتی نداشتند شور و شوق عجیبی به تألیف و ترجمه کتب چه در محیط دارالفنون و چه در خارج از آن پیدا شد. از میان ایرانیان کسانی مانند حاجی میرزا عبدالغفار نجم‌الدوله اصفهانی، دکتر ابوالحسن‌خان، دکتر رضاخان، محمد کرمانشاهی (معروف به کُفری)، میرزا رضاخان مهندس‌الممالک، میرزا علی‌اکبر خان مزین‌الدوله، میرزا اسدالله خان مهندس‌السلطان، میرزا ذکاء‌الملک فروغی و دیگران دست به تألیف و ترجمه زدند و به تدریج یک سلسله آثار مهم به سرمایه علمی و ادبی ایران افزوده شد. (آرین پور، ۱۳۷۵: ۲۵۹-۲۳۰) آثاری که به بخشی از آنها در جدول ذیل اشاره می‌شود. (مشار، ۱۳۵۰: ۴ جلد)

جدول شماره ۲

ردیف	نام کتاب	نویسنده	مترجم	محل انتشار	سال انتشار	چاپ	تعداد صفحات
۱	حساب معلم هندسه	اگوست کرزیر	-	تهران	۱۲۷۴ ق	سنگی-رحلی	-
۲	جراثقال ستون	کرشیش	میرزا زکی مازندرانی	تهران	۱۲۷۴ ق	سنگی	۳۶۷ ص + ۱۴ نقشه
۳	جلاء العیون	ژهن.ل. شلمیر فلنمکی	-	تهران	-	سنگی-جیبی	۲۶ ص
۴	علاج الاسقام (کتاب جراحی)	پولاک	محمدحسین افشار	تهران	۱۲۷۳ ق	سنگی-رقعی	۲۰۳+۹۷ ۲۹۷ ص با خط نصرالله نفرشی
۵	علم توپخانه	کرشیش	میرزا زکی خان مازندرانی	تهران	۱۲۷۵ ق	سنگی	۲۵۶ ص با چند نقشه
۶	علم تحصین (قلعه ساری قلعه سازی)	بوهرلر	میرزا علی اکبر خان	تهران	۱۲۷۵ ق	سنگی	۳۲۱ ص
۷	قانون امور اردو	بوهرلر	محمدحسین قاجار	تهران	۱۲۹۶ ق	سنگی	-
۸	قواعد مشق دسته و قانون نظم توپخانه	اگوست کرزیر	-	تهران	۱۲۶۹ ق	سنگی-وزیری	۷۱+۳۲ ص
۹	کحالی (رساله)	پولاک، دکتر ادوارد و ژاکب نمساوی	محمدحسین افشار	تهران	۱۲۷۳ ق	سنگی-رقعی	۲۹۸+۹۷+۲۰۳
۱۰	کلیات طب فرنگی	شلمیر	-	تهران	۱۲۹۳ ق	سنگی-رقعی	۱۱۵ ص
۱۱	میزان الحساب	کرشیش	میرزا زکی خان	تهران	۱۲۷۴ ق	سنگی	-
۱۲	هندسه	بوهرلر	عبدالرسول خان مهندس	تهران	۱۲۷۳ و ۱۲۸۳ ق	سنگی-خشتی	۴۰+۶۹ ۸۹+۳۱+۶۹
۱۳	هندسه	کرشیش	میرزا زکی خان	تهران	۱۲۷۴ ق	سنگی	-

«دارالترجمه خاصه همایونی»

پس از امیرکبیر علی‌رغم تلاشهای مترجمین دارالفنون و افراد علاقمند به امر ترجمه هنوز کاستیهای بسیار در این زمینه وجود داشت. با بررسی ادوار مختلف فعالیت دارالترجمه در عصر ناصری مشخص می‌شود که از میان سه دوره مزبور تنها در دوره اول که دوازده سال به طول انجامید، تعداد مترجمان بین سه تا چهارده نفر بوده است. مرحله دوم فعالیت دارالترجمه هنگامی آغاز می‌شود که ناصرالدین شاه در تاریخ ۱۲ ذی‌الحجه ۱۳۰۰ ق برابر با ۲۲ مهر ۱۲۶۲ ش دستور تاسیس نهاد «مفصل و منظمی» مخصوص ترجمه به ریاست محمدحسن خان اعتمادالسلطنه مترجم مخصوص شاه، را صادر می‌کند. نهادی که تا مرگ ناصرالدین شاه در ۱۳۱۳ ق/۱۲۷۵ ش ادامه پیدا می‌کند.

در این دوره ۱۳ ساله، ساختار دارالترجمه نظام‌مندتر شده و با تشکیل وزارت انطباعات به یکی از زیرمجموعه‌های اصلی این وزارتخانه درمی‌آید. تعداد مترجمان این دوره بین ۱۳ تا ۱۹ نفر بوده است. مرحله سوم فعالیت دارالترجمه نیز از زمان به سلطنت رسیدن مظفرالدین شاه یعنی ۱۳۱۳ ق/۱۲۷۵ ش تا انقلاب مشروطه ۱۳۲۶ ق/۱۲۷۸ ش ادامه می‌یابد. (دل زنده روی، ۱۳۹۷: ۷۰)

هنگام بحث در مورد ایجاد مرکزی مستقل جهت ترجمه در زمان ناصرالدین شاه متصدیان این امر درصد بر آمدند تا از طریق وزارتخانه انطباعات که برای خود وظایفی برشمرده بود نقش عمده در این زمینه را برعهده بگیرند. (ایران، ش ۷۷۱، ۱۳۰۹ ق: ۴) بدیهی است که راه‌اندازی دارالترجمه مستقل، بدون جذب مترجمان با تجربه میسر نبود و دشواریهای بسیار پیش روی متولی این امر محمد حسن خان اعتمادالسلطنه وجود داشت. چنانکه وزیر امور خارجه وقت «میرزا سعیدخان» تلاش‌های بسیار برای ممانعت از ورود برخی مترجمان دستگاه مزبور به دارالترجمه انجام داد و در مقابل خواسته اعتمادالسلطنه مقاومت کرد. محمدحسن خان در اشاره به این مورد نوشته است:

«تشکیل دارالترجمه اسباب وحشت وزیر شده بود. مانع بود مترجمین دستگاه وزارت خارجه

بیایند من هم سخت ایستادم. به حکم شاه آنها را بردم.» (اعتمادالسلطنه، ۲۵۳۶: ۲۶۳)

در کنار این کارشکنیها وزیر انطباعات مصمم بود تا «مترجمین از هر زبان و هر فن در عمارتی که مخصوص این کار معین شده» بود را گرد هم آورد و به آنها دستورالعمل‌های لازم را بدهد. (اعتمادالسلطنه، مرآةالبلدان، ۱۳۶۷: ۱۶۵۸) بنابر این با تلاش وی در ۲۰ ذال‌حجه ۱۳۰۰

ق «در محل بالاخانه سابق کشیک‌خانه جنب تخت مرمر» (اعتمادالسلطنه، ۲۵۳۶: ۲۶۱) دارالترجمه گشایش یافت و موفقیت بزرگی نصیب اعتمادالسلطنه گردید. اکنون او همزمان «وزیر انطباعات دولت علیه و رئیس دارالترجمه خاصه همایونی» بود و برای ترجمه آثاری که «سبب آگاهی و اطلاع اهالی ایران» کوشش می‌کرد. آثاری که در اندک زمانی توجه علماء و دانشمندان فرانسه و مخصوصاً جناب وزیر علوم فرانسه را نیز به خود جلب کرد و «موجب امتنان و رضایت» (اعتمادالسلطنه، مرآة البلدان، ۱۳۶۷: ۱۸۲۷) ایشان از فعالیت دارالترجمه همایونی شد.

کارکنان و اجزاء دارالترجمه خاصه

دارالترجمه پس از افتتاح، نخست زیر نظر اعتمادالسلطنه و سپس محمد حسین فروغی قرار گرفت. در این اداره شماری از مترجمین ایرانی و فرنگی فعالیت می‌کردند. پس از تاسیس مدرسه دارالفنون و گذشتن چند سالی از فعالیت آن، شماری محصل زبان دان، تربیت شده و به جرگه مترجمان پیوسته بودند. (آذرنگ، ش ۷۲-۷۳، ۱۳۸۸: ۱۸۴) بسیاری از مترجمین ارمنی، آشوری و یهودی نیز اغلب توسط محمد حسن خان شناسایی شده و به دارالترجمه راه می‌یافتند. پسر استاد ابراهیم زرگر که برای تحصیل به فرنگ رفته بود از جمله مواردی بود که پس از بازگشت به وطن از سوی اعتمادالسلطنه در جرگه مترجمین قرار گرفت. (اعتمادالسلطنه، ۲۵۳۶: ۲۹۹) در دارالترجمه «جمع جرائد و جرائیل و گازتها از تمام دولتها و حکومتها و ایالات» از «السنة شتی و لغات مختلف به پارسی» ترجمه می‌شد. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱۵۵) برخی از مترجمین به چند زبان خارجه تسلط داشتند و با برگرداندن آثار گوناگون از زبان‌های اروپایی به فارسی آثار نویسندگان نام‌آوری چون مولیر، شکسپیر و همچنین متونی که با موضوع علوم نظامی و فنی که در روزنامه‌های عثمانی و روسیه مندرج شده بود را در دسترس فارسی‌زبانان قرار می‌دادند. اسامی مترجمین این دوره با توجه به توانایی و تسلط آنان به زبان خارجه از این قرار بوده است:^۱

زبان فرانسه: میرزا محمدحسین ادیب ملقب به فروغی، میرزا محمدرضا کاشانی، میرزا علی‌خان، میرزا عیسی، میرزا مهدی خان، میرزا غلامعلی، مسیو ریشارخان^۲ (اعتمادالسلطنه،

۱ اسامی مترجمین از این منابع بدست آمده است: اعتمادالسلطنه، منتظم ناصری، ۱۳۶۷: ۱۵۵ و اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۴۱۰-۴۰۹ و ۶۶۳-۶۷۱ و قاسمی، ۱۳۸۹: ۴۶-۸۸۱.

۲ ژول ریشارد از اهل فرانسه بود که زمان محمدشاه به ایران آمد، او زبان انگلیسی، ایتالیایی، اسپانیایی، آلمانی و لاتین هم می‌دانست. پس از تأسیس دارالفنون معلم زبان فرانسه آنجا شد وی دارای تألیفاتی بود.

۱۳۶۳: ۶۷۱) میرزا یوسف خان (پسر مسیو ریشارخان)، میرزامحمدعلی فروغی (پسر میرزا محمدحسین ادیب)، میرزا هارطورخان مسیحی، مادروس خان، بارون نرمان، مسیو آوانس، دکتر مورل، مسیو پروسکی.

زبان روسی: سیدعبدالله، میرزا احمد قفقازی، امان‌اله خان، مادروس خان، میرزا هارطورخان مسیحی، مسیو ریشارخان، میرزا محمدعلی فروغی، میرزا آبکار.

زبان ترکی: میرزاجعفر قرچه‌داغی^۱ (بامداد، ۱۳۷۸: ۱/۲۴۱)، عارف بیک، میرزا عبدالرسول، میرزا رضا قلی خان.

زبان عربی: میرزا عیسی خان، میرزا غیاث‌الدین ادیب کاشانی، میرزا محمدحسین فروغی، میرزا علی خان (ناظم دارالترجمه و دارالطباعة مبارکه)، آقا میرزا حسین، میرزا سیدمرتضی^۲ (قاسمی، ۱۳۷۹: ۱/۱۴۵ و اردوی همایون، ش ۲، ۱۳۰۰: ق: ۲)، مرتضی سید ولی.

زبان انگلیسی: میرزا علی خان، میرزا رحیم، مسیو آوانس، میرزا محمود، میرزا رضاقلی

زبان آلمانی: بارون نرمان

زبان هندی: آقا سیدحسین شیرازی که مترجم آثاری چون احوال روس و افغانستان، تاریخ احمدشاه درانی، تاریخ پنجاب از نصرت علی خان دهلوی، جغرافیای هندوستان، سرگذشت کافران سیاهپوش است. (افشار، ۱۳۸۱: ۹۸)

برخی از این مترجمان همچون میرزا ادیب کاشانی و عارف خان، منشی (ویراستار یا سردبیر) بودند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱/۴۰۹-۴۱۰ و افشار، ۱۳۸۱: ۹۱-۹۳) و ترجمه را با توجه به متغیرهایی ویرایش و بازنگری می‌کردند. متغیرهایی مانند متغیر مخاطب، متغیر پسند سفارش دهنده، یا متغیر ذوق و پسند رایج در میان افراد با سواد و تحصیل کرده، یا خود منشیان. شاید متغیرهای دیگری هم در کار بوده است که باید با تحقیقات بیشتری به وجود آنها پی ببریم. (آذرنگ، ش ۸۰، ۱۳۹۰: ۳۳۲) با این وجود در میان ترجمه‌های قاجاری از عصر عباس میرزا به بعد می‌توان ترجمه‌هایی یافت که مترجمان آنها بر پایه آنچه در زمان خود از مفهوم «دقت» برداشت می‌شد، سعی می‌کردند ترجمه‌هایشان عین متن اصلی باشد.

۱ میرزا جعفر قراچه‌داغی منشی جلال‌الدین میرزا (پسر فتحعلی‌شاه قاجار) بود و مترجم نمایش‌های هشتگانه میرزا فتحعلی آخوندزاده، از ترکی به پارسی است و عنوان آن تمثیلات است

۲ میرزا سیدمرتضی یکی از اجزای وزارت انطباعات در سفر دوم ناصرالدین شاه به خراسان بود و در انتشار روزنامه «اردوی همایون» شرکت داشت.

(آذرتنگ، ۱۳۹۰: ۳۳۳) هرچند همه مترجمان دوره‌های عباس میرزا، محمد شاه و ناصرالدین شاه پیروی از راه و روش پیشینیان که ترجمه کلمه به کلمه بود را قطعی و ضروری می‌دانستند. اما انجام ترجمه به روش تحت‌اللفظی، دست‌کم در مرحله اول فعالیت دارالترجمه، در جهت هدف حامی و بانی اصلی دارالترجمه صورت می‌گرفت و لذا تعجبی ندارد که مترجم بر ترجمه بی‌کم و کاست متن اصلی تأکید ورزد و ترجیح دهد نثر ترجمه «ناسلیس» باشد تا اینکه با تغییر انشای متن و نوشتن متنی روان این ظن را در ناصرالدین شاه ایجاد نماید که در متن اصلی دست برده و چیزی از آن کم و یا بدان افزوده است. (دل زنده روی، ۱۳۹۷: ۷۳-۷۲).

در مراحل دوم و سوم فعالیت دارالترجمه مترجمان نه تنها دیگر سخنی از ترجمه تحت‌اللفظی به میان نمی‌آورند بلکه گاهی مترجم آنطور که مناسب می‌دید از عباراتی صرف نظر می‌کرد و در جایی که لازم بود برای آنکه خوانندگان پی به مطالب ببرند، تعابیر و اصطلاحات اروپایی را به تعابیر و اصطلاحات زبانزد ایرانی تبدیل می‌کرد. بعبارت دیگر در این دوره ترجمه‌های آزاد مطلوب بود. شیوه و سبکی که در طول چندین دهه در میان ایرانیان رواج یافت همان «مفهوم بودن» عبارت بود. اعتمادالسلطنه با وقوف به این موضوع هنگام ترجمه «خاطرات یک خر» از کنتس دوسگور فرانسوی اسامی فرنگی را به اسامی ایرانی تبدیل کرد و مقداری شعر و مثل و تعبیرات خاص فارسی در آن وارد نمود. (افشار، ۱۳۸۱: ۸۲-۸۱) این روش توسط برخی از اعضای دارالترجمه بکار رفت به مرور به ساده نویسی ترجمه انجامید. (محیط طباطبایی، ۱۳۶۶: ۸۵) و بر زبان فارسی تاثیر گذاشت. (آذرتنگ، ش ۸۰، ۱۳۹۰: ۳۳۲) در دوره مزبور با فعالیت مداوم مترجمین و پویایی دارالترجمه کتب بسیاری ترجمه شد. براساس یادداشتهای اعتمادالسلطنه می‌توان دریافت که از ابتدای تشکیل دارالترجمه ۲۰ ذی‌الحجه ۱۳۰۰ ق تا دوم ربیع‌الاول ۱۳۰۲، مجموعه‌های ترجمه شده پنج بار به شرح ذیل به نزد شاه برده شده‌است:

- سه‌شنبه ۲۶ محرم ۱۳۰۱ ق: حضرات مترجمین را حاضر کرده و کتابچه‌های ترجمه شده بحضور ببرم.

- پنجشنبه ۴ ربیع‌الاول ۱۳۰۱ ق: بیست و دو جلد کتاب ترجمه شده بود حضور شاه بردم.

- چهارشنبه ۲۳ شعبان ۱۳۰۱ ق: صبح میرزا فروغی از شهر آمده بود. سی و شش کتابچه ترجمه دارالترجمه را آورده بود.

- شنبه ۲ ربیع‌الاول ۱۳۰۲ ق: مترجمین را حضور بردم با سی کتاب که ترجمه کرده بودند. شاه خیلی التفات کردند.

- دوشنبه ۲۸ جمادی‌الاول ۱۳۰۲ ق: سی جلد کتاب ترجمه دارالترجمه را حضور شاه بردم.

از میان مترجمین فعال این مرکز، محمدحسن خان با ترجمه و نگارش بیش از بیست کتاب و چندین رساله و تعداد زیادی مقاله از زبان فرانسه به فارسی در جایگاه برتر قرار داشت و پس از وی آوانس‌خان ارمنی (از انگلیسی)، سیدحسین شیرازی (از اردو)، میرزا رحیم (پسر علی‌نقی حکیم‌الممالک از انگلیسی) و محمد عارف (از ترکی) را می‌توان نام برد. (افشار، ۱۳۸۱: ۹۱) این افراد با حضور در دارالترجمه به غیر از روزهای دوشنبه و جمعه (اعتمادالسلطنه، ۲۵۳۶: ۲۷۸) با توجه به سفارشات اعتمادالسلطنه مشغول به کار می‌شدند. اعتمادالسلطنه در مواقعی که در تهران بود تقریباً همه روزه قبل از شرفیابی و یا بعد از آن به دارالطباعه و دارالترجمه می‌رفت. (اعتمادالسلطنه، ۲۵۳۶: ۲۹۵) و دستورات لازم را به اعضاء می‌داد و گاهی به همراه آنان ترجمه می‌کرد. وی به لحاظ اهمیت کار سالی یکبار مترجمین را با لباس تازه «که همه ماهوت آبی و یک رنگ» بود (اعتمادالسلطنه، ۲۵۳۶: ۲۸۴) به حضور ناصرالدین شاه می‌برد و شاه که بسیار به پیشرفت امور دارالترجمه و دارالتالیف علاقه‌مند بود آنان را مورد التفات قرار می‌داد و با دادن انعام ایشان را تشویق می‌نمود. (اعتمادالسلطنه، ۲۵۳۶: ۲۸۴ و ۶۸۷) هر چند ناصرالدین شاه هزینه‌ای برای دارالترجمه در نظر گرفته بود. با این حال اعتمادالسلطنه مجبور بود «سالی هزار تومان از جیب» (اعتمادالسلطنه، ۲۵۳۶: ۸۴۱) خود برای مخارج دارالترجمه بپردازد. سفارش و خریداری کتب جدید از خارج و همچنین از مسیو پروسکی^۱ (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۴۰۹) و یک دندان‌ساز (اعتمادالسلطنه، ۲۵۳۶: ۱۲۱) وزیر انطباعات را به مدت ده سال متحمل «مخارج بلاعوض» نمود. ولی تلاش‌های او و کارکنان دارالترجمه عاقبت مثمر ثمر واقع شد و به ادعای اعتمادالسلطنه بیش از «هزار کتاب و کتابچه» (اعتمادالسلطنه، ۲۵۳۶: ۸۴۱) ترجمه و تقدیم شاه گردید. کارکنان دارالترجمه در کنار ترجمه آثار فرنگی، فعالیت دیگری هم جهت «ترقی و تکمیل السنه مختلف» انجام می‌دادند. بدین ترتیب که همه روزه از «دو ساعت به غروب مانده تا هنگام غروب» مترجمینی چون آقامیرزا رضای کاشانی، مسیو پروسکی، میرزا هارتون خان، میرزا علی‌خان، میرزا علیقلی و مادروس خان در دارالترجمه

۱ مسیو پروسکی سرتیپ اول، معلم و مترجم زبان فرانسه و جغرافی و آبودان مخصوص وزارت جنگ بود.

حاضر شده و به متعلمین که تعداد آنان به هفتاد می‌رسید. مجاناً زبانهای فرانسه، انگلیسی، روسی و ترکی اسلامبولی آموزش می‌دادند (ایران، ش ۴۸، ۱۲۸۸: ۱) اعتمادالسلطنه از مسیو پروسکی (ایران، ش ۶۳، ۱۲۸۸: ۴) معلم درس زبان فرانسه که زحمات بسیاری در آموزش متحمل شده بود. رضایت کامل داشت (ایران، ش ۸۸، ۱۲۸۹: ۱) و برای قدردانی از او و سایرین «مراتب رضامندی شاگردان را در حضور» شاه اعلام داشته است. هرچند پیش از این در مدرسه مشیره «برای تعلیم علوم جدید و زبانهای اروپایی، خصوصاً فرانسه» چنین فعالیتی صورت پذیرفته بود. (اعتمادالسلطنه، مرآة البلدان، ۱۳۶۷: ۱/ ۵) ولی اکنون در دارالترجمه همایونی زبان‌آموزی در حوزه مستقل و کامل‌تری صورت می‌گرفت و تعداد مترجمین در حال افزایش بود. با گسترش فعالیت دارالترجمه ارتباط محکمتری با دارالطباعة برقرار شد و چاپ و انتشار آثار ادبی و علمی سرعت بیشتری یافت.

ارتباط دارالترجمه با دارالطباعة

با شکل‌گیری دارالترجمه و تکمیل بخشهای مربوط به آن، از هر زبان روزنامه و مکاتیبی که [می‌رسید] فوراً ترجمه شده و مطالب منتخبه و مستحسنه آنها در روزنامه‌های اداره [انطباعات] می‌یافت. (فرهنگ، ش ۲۸۳، ۱۳۰۲ ق: ۳-۴) اما این فعالیت توسط برخی از افراد که بطور همزمان در دارالترجمه و دارالطباعة حضور داشتند میسر می‌شد

افرادی همچون میرزا محمدحسین ادیب (ملقب به فروغی) مترجم زبان فرانسه و عربی که در روزنامه ایران و مریخ و علمی که به عنوان مصحح و منشی روزنامه‌جات (اعتمادالسلطنه، منتظم ناصری، ۱۳۶۷: ۵۵۵) فعالیت می‌کرد و گاهی داستانهایی ترجمه می‌نمود و آنها را بصورت پاورقی در جراید انتشار می‌داد. فروغی افزون بر داشتن چند سمت در امور انطباعات به مفهوم امروزی ویراستار و مدیر چاپ مجموعه انتشارات انطباعات در عهد ناصری و مظفری محسوب می‌شد (قاسمی، تاریخ روزنامه نگاری ایران، ۱۳۷۹: ۷۵) میرزا سید ولی، مترجم علم جغرافیا و زبان عربی «مرتب حروف اطلاع و اکودوپرس» و میرزا علی محمد، ناظم دارالطباعة و مترجم عربی نیز در دو بخش ذکر شده حضور فعال داشتند.

یکی از کارهای مشترک «دارالترجمه» و «دارالطباعة» اهتمام به «نشر فضل و هنر و علم و صنعت» بود. (ایران، ش ۷۷۱، ۱۳۰۹ ق: ۴) و این کار از طریق ترجمه آثار، چاپ و انتشار آنها به

صورت کتاب و روزنامه صورت می‌گرفت. انتشار روزنامه اکودوپرس^۱ (براون، بی تا: ۶۰/۲) در ۴ جمادی‌الثانی ۱۳۰۲ ق/ ۲۱ مارس ۱۸۸۵م، پس از آن بود که ناصرالدین شاه چاپ روزنامه فرانسوی زبان اکودوپرس را به اعتمادالسلطنه سپرد. (اعتمادالسلطنه، ۲۵۳۶: ۳۴۶) در انتشار روزنامه وی از مترجمی بنام بارون دونرمان که پیشتر روزنامه لاپاتری را در ۱۲۹۳ق (هاشمی، ۱۳۶۳: ۱۷۶/۴) منتشر کرده بود استفاده کرد. (اعتمادالسلطنه، ۲۵۳۶: ۳۵۰) هرچند بعدها به علت اختلاف‌های مکرر میان اعتمادالسلطنه و دونرمان، وزیر انطباعات ناگزیر شد تا تدوین آخرین شماره‌های اکودوپرس را به یکی دیگر از مترجمین فرانسوی بنام «انمون مورل» پزشک فرانسوی مقیم تهران واگذار کند. (اعتمادالسلطنه، ۲۵۳۶: ۴۶۱)

در روزنامه فرانسوی نام محمدحسین فروغی به عنوان «مدیرمسئول» که از شماره دوم روزنامه اکودوپرس ذکر می‌شد به ضرورت اداری انجام می‌گرفت. بنابر اسناد و منابع موجود وی نقش مستقیمی در محتوا یا تدوین آن نداشته است. (محمدزاده، ۱۳۹۳: ۳۷۵) از کارکنان دیگر اکودوپرس، سیدولی (مترجم عربی) بود که حروف‌چینی روزنامه را انجام می‌داد. گویا به علت اعتصاب (اعتمادالسلطنه، ۲۵۳۶: ۳۷۱) وی و توقف انتشار اکودوپرس، اعتمادالسلطنه مجبور به تعویض حروف‌چین شده و روزنامه را تا ۲ جمادی‌الثانی ۱۳۰۵ ق انتشار داده است.

یکی از دیگر کارهای مشترک «دارالترجمه و دارالطباعة» در این زمان، ترجمه بیش از پانصد کتاب در زمینه‌های نظامی، پزشکی، تکنیک (عکاسی، تلگراف، کشاورزی)، زمین‌شناسی، فیزیک، شیمی و جغرافیا، تاریخ، حقوق، ادبیات و کتب تفننی دیگر است که حدوداً توسط یکصد و سی مترجم صورت گرفته است. (افشار، ۱۳۸۱: ۸۹) هرچند در شماری از این کتابها نام مترجم قید نشده است و شماری از مترجمان آن دوره را هم نمی‌شناسیم. ولی با نگاهی به مضمون این کتب می‌توان دریافت توجه نظام حاکم به دارالترجمه و تجویز موضوع دلخواه برای ترجمه از سوی آنان همواره بر خط و مشی دارالترجمه تاثیر داشته است. با توجه به علاقه ناصرالدین شاه و ظل‌السلطان به آگاهی از غرب بیشتر کتب تاریخی و سرگذشت سلاطین و قدری هم متون جغرافیایی و سفرنامه‌های مربوط به چین، استرالیا، آفریقا و رساله علمی زلزله‌ها و آتش‌فشانها و غیره کتبی نظیر احوال اسکندر، فردریک، ناپلئون، الکساندر روس، نیکلا^۲ (افشار، ۱۳۸۱: ۹۰)، نرون، کاترین، لوئی ۱۴ و هانری چهارم و طالیران به همراه تعدادی

1 Echode perse

۲ تاریخ نیکلا را ژول ریشار فرانسوی به فارسی ترجمه کرده بود و ناصرالدین شاه به خط خود پشت آن کتاب نوشته است: «ترجمه نیکلای امپراطور روس مرحوم است که داده بودیم موسی (ت) مسیو Musi ریشار فرانسوی ملقب به میرزارضا ترجمه کند

گزارش از جهان و مقالات مربوط به اختراعات و اکتشافات در این زمان ترجمه و یا کتابخوانی شده است. (افشار، ۱۳۸۱: ۸۸) بنظر می‌رسد اعتمادالسلطنه بسیاری از این کتب را بنا به میل و علاقه ناصرالدین شاه به طبیعت و سفر و تاریخ انتخاب و ترجمه کرده است. در ذیل به تعدادی از عناوین این ترجمه‌ها که در چاپخانه دارالطباعة به چاپ رسیده است اشاره می‌شود: (مشار، ۱۳۵۰: ۴ جلد و قاسمی، ۱۳۷۹: ۳۶۹/۱-۳۷۶)

≠ الفاظ متشابهه متداوله در زبان فرانسه، محمدحسن [اعتمادالسلطنه]، تهران: دارالطباعة خاصه همایونی، ۱۳۰۰ ق، ۳۹ صفحه.

≠ تاریخ هرودت (مختصر)، ترجمه محمدحسن [اعتمادالسلطنه]، تهران: [دارالطباعة]، بی‌تا.
≠ خانم انگلیسی (سرگذشت مسترس هورتستت در بلوای هندوستان)، فلیکس میندر، ترجمه محمدحسن [اعتمادالسلطنه]، تهران: [دارالطباعة دولتی]، ۱۳۰۴ ق، ۲۲۴ صفحه.

≠ دیالک [مکالمه فرانسه]: محمدحسن [اعتمادالسلطنه]، تهران: دارالطباعة، ۱۲۹۴ ق.
≠ سرگذشت مادوموزال مونت پانسیو، ترجمه محمدحسن اعتمادالسلطنه، تهران: [وزارت دارالطباعة]، ۱۳۱۲ ق، ۱۵+۲۱۷ ص.

≠ سیاحت‌نامه کاپیتان آتراس به قطب شمال، ژول ورن، ترجمه محمدحسن [اعتمادالسلطنه]، تهران: ۱۳۱۱ ق، ۲۲۱ صفحه.^۱ (ایران، ش ۱۰۳۰، ۱۳۲۰ ق: ۴)

≠ کاداستره (ممیزی املاک و اراضی و تعداد نفوس)، ترجمه و تدوین محمدحسن اعتمادالسلطنه، تهران: [وزارت دارالطباعة]، ۱۳۰۷ ق.

≠ گرامر، محمدحسن [اعتمادالسلطنه]، تهران: [دارالطباعة]، ۱۲۹۳ ق، ۲۹۲ صفحه، چ دوم ۱۲۹۶ ق، چ سوم، ۱۲۹۹ ق.

≠ تلماک، میرزاعلی خان ناظم‌العلوم، ۱۳۰۴ ق، ۶۷۰ صفحه. (آدمیت، ۲۵۳۵: ۵۵)

≠ حکمت ریاضی علم و حساب و جبر، میرزا علی خان ناظم‌العلوم، ۱۲۹۷ ق. (افشار، ۱۳۸۱: ۱۰۰)

۱ «اعلان»ی که در پی می‌آید ما را درباره چاپ «سیاحت‌نامه کاپیتان آتراس به قطب شمال در سال ۱۳۱۱ ق دچار تردید می‌کند: (اعلان) چونکه شرح حال مسافرت کاپیتان اطراس به قطب شمال تا به حال در کتابی مخصوص به زیور طبع نرسیده بود و این احقر حاجی میرزا سیداحمد مستوفی تفصیل آن را قابل انتشار دیده زیرا که دارای محسنات بی‌شمار است. من جمله از علم هیئت و جغرافیا و حکمت و انشاء در او درج است و از برای هر ذی‌شعوری مطالعه آن لازم لهذا این اوقات منفرداً به طبع این کتاب مستطاب اقدام نموده و تاکنون دوازده جزء آن که [مجموعاً] هفده هجده جزء می‌شود به طبع رسیده و مرکز بیع و شراء آن را در تیمچه کتاب‌فروشیها حجره عمده‌التجار مشهدی عباس کتابفروش قرار داده و قیمت یک جلد کتاب یک تومان است...» به نقل از قاسمی: ۳۷۹: ۳۷۴.

≠ حماریه، میرزا علی خان امین‌الدوله، ۱۳۰۰ ق. ^۱ (آدمیت، ۲۵۳۵: ۶۶]
 ≠ سرگذشت مرد خسیس (از کتاب تمثیلات نوشته میرزافتحعلی آخوندزاده)، ترجمه
 میرزاجعفر قرچه داغی، ۱۲۹۱ ق، مطبعه تهران. (ملک پور، ۱۳۶۳: ۳۸۵)
 با نگاهی به آثار ذکر شده می‌توان دریافت تحول بزرگ در ترجمه کتب نویسندگان اروپایی
 که از زمان عباس میرزا آغاز شده بود توسط صنعت چاپ در عصر ناصری به سرعت رشد کرد و
 وضع دولت ایران و انیران [= غیرایران] عموماً برخلاف جمیع قرون گذشته شده ()
 اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱۵۵/۱) و وضعیت روزنامه و نشریات ترقی یافته است. اما آنچه که نباید
 از نظر دور داشت حضور اداره « سانسور» در وزارت انطباعات بود که همواره فعالیت سایر
 بخشها را تحت تاثیر خود قرار می‌داد و نشر برخی از آثار را که با مزاج سیاسی زمانه چندان
 سازگار نبود با دشواری روبرو می‌نمود. مشکلاتی که حتی گریبانگیر محمدحسن خان
 اعتمادالسلطنه نیز شد و زحمات وی را بارها در معرض غضب و بی‌مهری شاه قرار داده است.
 وی در خاطرات خود نوشته است:

«افسوس که من زحمت کشیدم کتاب مادام دوپاری برای شاه ترجمه نمودم که متنبه شوند،
 بدانند که انقراض سلطنت به چه خواهد بود. به خلاف نتیجه بخشید.» (اعتمادالسلطنه،
 ۲۵۳۶: ۶۹۵)

هرچند محمد حسن خان در اواخر عمر خود از توقیف ترجمه خاطرات « مادموزال مونت
 پانسیر» که ضمیمه سالنامه ۱۳۱۳ق / ۱۸۹۵م انتشار یافته بود سخت آزرده خاطر شد. (براون،
 ۱۳۴۱ : ۱۵۴) و سعی کرد در عریضه‌ای به شاه یادآور شود. این کتاب «ضرری به دین و
 دولت و ملت» وارد نمی‌آورد. (اعتمادالسلطنه، ۲۵۳۶: ۱۰۴۳) و هزاران از «این قبیل کتب
 به فارسی و عربی و ترکی منتشر شده است». (اعتمادالسلطنه، ۲۵۳۶: ۱۰۴۵) اما رهایی از
 سایه سنگین سانسور به راحتی ممکن نبود و «دارالترجمه همایونی» نیز ناچار برای حفظ
 خود در جهت منویات نظام حاکم قدم برمی‌داشت. با اینحال ترجمه کتابهای خارجی توسط
 «دارالترجمه همایونی» دریچه‌های جدیدی را به روی جامعه ایران گشود و آنان را با نیازهای
 تازه آشنا ساخت.

۱ نخستین بار منطق‌الوحش را میرزا علی خان امین‌الدوله به عنوان الحماریه از ترجمه عربی محمدحسین جمال
 مصری به فارسی ترجمه کرد و در سال ۱۳۰۰ به چاپ رسانید. پس از وی ترجمه دیگری از متن فرانسوی کتاب
 توسط اعتمادالسلطنه فراهم شد که در ۱۳۰۶ به چاپ رسید.

نتیجه‌گیری

اعزام محصلین ایرانی به خارج در دوره عباس میرزا و محمدشاه نشانه روشنی از توجه نظام حاکم به ضرورت دستیابی به علوم و معارف جدید اروپا بود. هرچند این عده در بازگشت به وطن با ترجمه متونی از زبانهای اروپایی به فارسی نهضت نوپای ترجمه را بدون واسطه بنا نهادند و تا حدودی موجبات آگاهی و شناخت ایران با اوضاع سیاسی و اجتماعی کشورهای مترقی فراهم نمودند. اما عمده ترجمه‌های عصر قاجار به دوره ناصرالدین شاه باز می‌گردد. در این دوره دو عامل جدید بر رونق ترجمه و نش کتاب تأثیر گذاشت: تاسیس دارالفنون و دستگاه مترجمان دولتی (دارالترجمه همایونی) که در راستای هم علوم و معارف را در عصر ناصری گسترش دادند.

در معرفی بنیان‌گذاران این نهادها ابتدا به امیر کبیر اشاره می‌شود که در دستگاه اداری خود هیئتی از مترجمان را گرد آورد و با تاسیس مدرسه دارالفنون و استخدام معلمین خارجی و همچنین تعیین مترجمین ایرانی برای آنها به بهبود ترجمه در این عصر کمک بسزایی کرد و نسلی جدید که مسلط به زبانهای بیگانه بودند را پرورش داد. پس از وی نیز محمد حسن خان [اعتمادالسلطنه] مترجم مخصوص ناصرالدین شاه است که در ابتدا با در اختیار داشتن «وزارت انطباعات» نهادی به نام «دارالترجمه همایونی» در سال ۱۳۰۰ق را ایجاد کرد و با سازماندهی «دارالترجمه همایونی» از طریق به کارگیری مترجمین حاذق، تعیین محلی خاص برای ترجمه، صرف هزینه جهت تهیه کتب جدید، برگزاری کلاسهای زبان‌آموزی برای علاقه‌مندان بصورت مجانی در دارالترجمه و همچنین استفاده از پتانسیل‌های موجود در «دارالطباعه» سرعت ترجمه، چاپ و نشر آثار خارجی را بهبود بخشید و ترجمه آثار فرنگی را در عصر ناصری به اوج خود رساند. دارالترجمه در کنار گسترش آثار غربی در بین اقشار مختلف با استفاده از اصطلاحات و تعابیر ایرانی هنگام ترجمه نثری ساده و قابل فهم برای عموم ارائه داد و بر زبان نوشتاری تا حدودی اثر گذاشت. هرچند نظارت دستگاه حاکم بر خط و مشی «دارالترجمه همایونی» محدودیت‌هایی را برای متولیان آن بوجود آورد. با اینحال خروجی دارالترجمه در این دوره سرمایه‌ای برای افراد علاقه‌مند و جستجوگر در عصر ناصری شد و افق بهتری را در دسترس آنان قرار داد.

منابع

- 0 آدمیت، فریدون. (۱۳۶۲). **امیرکبیر و ایران**. تهران: خوارزمی.
- 0 ----- (۲۵۳۵). **ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایدئولوژی**. تهران: پیام.
- 0 آذرنگ، عبدالحسین. (۱۳۹۵). **تاریخ و تحول نشر، درآمدی به بررسی نشر کتاب در ایران از آغاز تا آستانه انقلاب**. تهران: خانه کتاب.
- 0 آراین پور، یحیی. (۱۳۷۵). **از صبا تا نیما (تاریخ ۱۵۰ سال ادب فارسی)**. جلد یکم، چاپ ششم، تهران: زوآر.
- 0 اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. (۱۳۶۳). **المآثر و الآثار (چهل سال تاریخ ایران)**. به کوشش ایرج افشار، جلد اول و دوم، چاپ اول، تهران: اساطیر.
- 0 ----- (۲۵۳۶). **روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه (وزیر انطباعات در اواخر دوره ناصری مربوط به سالهای ۱۲۹۲ تا ۱۳۱۳ ق)**. مقدمه و فهرس از ایرج افشار، جلد اول، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
- 0 ----- (۱۳۶۷). **منتظم ناصری**. تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، جلد اول وسوم، تهران: دنیای کتاب.
- 0 ----- (۱۳۶۷). **مراةالبلدان**. به کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، جلد دوم وسوم. تهران: دانشگاه تهران.
- 0 اسکاچپول، تدا. (۱۳۸۸). **بینش و روش در جامعه شناسی تاریخی**. چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
- 0 بامداد، مهدی. (۱۳۷۸). **شرح حال رجال ایران**. جلد اول، تهران: زوآر.
- 0 براون، ادوارد و محمدعلی تربیت، (۱۳۴۱). **تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت**. ترجمه رضا صالح زاده، جلد سوم. تهران: معرفت.
- 0 براون، ادوارد. (بی تا). **تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت**. ترجمه جمشید محمد عباسی، جلد دوم، تهران: معرفت.
- 0 بیانی، خانبابا. (۱۳۷۵). **پنجاه سال تاریخ ایران در دوره ناصری، چهره و سیمای راستین ناصرالدین شاه**. جلد اول، تهران: علم.

- 0 دنبلی، عبدالرزاق. (۱۳۸۳). مآثر سلطانیه (تاریخ جنگهای اول ایران و روس) به ضمیمه تاریخ جنگهای دوره دوم از تاریخ ذوالقرنین. تصحیح و تحشیه غلامحسین زرگری‌نژاد، چاپ اول، تهران: موسسه انتشاراتی روزنامه ایران.
- 0 صدر هاشمی، محمد. (۱۳۶۳). تاریخ جراید و مجلات ایران. جلد دوم، اصفهان: کمال.
- 0 طباطبایی، محیط. (۱۳۶۶). تاریخ تحلیلی مطبوعات. چاپ اول، تهران: بعثت.
- 0 قاسمی، فرید. (۱۳۸۹). چکیده سالنامه‌های ایران (۱۳۱۳-۱۳۹۰ ق). جلد اول و دوم، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- 0 ----- (۱۳۷۹). مشاهیر مطبوعات ایران. اعتمادالسلطنه. جلد اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- 0 ----- (۱۳۷۹). تاریخ روزنامه‌نگاری ایران (مجموعه مقالات). جلد اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- 0 کرزن، جرج.ن. (۱۳۶۷). ایران و قضیه ایران. ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، جلد اول و دوم، تهران: انتشارات علمی/ فرهنگی.
- 0 محبوبی اردکانی، حسین. (۲۵۳۵). مقدمه‌ای در باب آشنای ایران با مظاهر تمدن غربی. تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی/ وزارت فرهنگ و هنر.
- 0 ----- (۱۳۷۰). تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران. جلد اول، تهران، دانشگاه تهران.
- 0 مشار، خانبابا. (۱۳۵۰). فهرست کتابهای چاپی فارسی. ۴ جلد، تهران: ارژنگ.
- 0 محمدزاده، محمدجعفر. (سرپرست و ویراستار) (۱۳۹۳). دانشنامه مطبوعات ایران (آ- الف). جلد اول، تهران: دانشنامه مطبوعات ایران.
- 0 ملک‌پور، جمشید. (۱۳۶۳). ادبیات نمایشی در ایران (نخستین کوششها تا دوره قاجار). جلد اول، تهران: توس.
- 0 ناطق، هما. (۱۳۶۸). ایران در راه‌یابی فرهنگی. تهران: خاوران.

نشریات

- 0 آذرنگ، عبدالحسین آذرنگ. (۱۳۹۰). «تاریخ نشر کتاب در ایران». مجله بخارا، فروردین- اردیبهشت ۱۳۹۰. ش ۸۰، ص ۳۲۸-۳۳۷ و مهر - دی ۱۳۸۸، ص ۱۸۶ و فروردین- اردیبهشت ۱۳۸۹، ش ۷۰، ص ۱۹۵.

- 0 افشار، ایرج. (۱۳۸۱). «آغاز ترجمه کتابهای فرنگی به فارسی»، **مجله ایران‌شناسی**. س ۱۴. ش ۵۳. بهار ۱۳۸۱. صص ۷۹-۱۱۰.
- 0 بختیار، مظفر و هدی عرب‌زاده. (۱۳۸۸). «دارالترجمه ناصری و اداره سانسور»، **مجله ادب فارسی**. پاییز و زمستان ۱۳۸۸. ش ۲. (علمی و پژوهشی)، صص ۱۸-۱.
- 0 دل‌زنده روی، سمیه. (۱۳۹۷). «روش ترجمه در دارالترجمه ناصری»، **مجله مترجم**. دوم بهمن، س ۲۷. ش ۶۶. صص ۶۹-۷۴.
- 0 کیان‌فر، جمشید. (۱۳۸۴). «نهضت ترجمه و دارالفنون»، **مجله پیک نور**. بهار. ش ۹، صص ۹۲-۸۳.
- 0 میرهادی، م. (۱۳۸۱). «نخستین چاپخانه‌ها، کتابهای تألیفی و ترجمه‌های چاپ شده در ایران»، **نامه فرهنگ**. تابستان. ش ۴۴، صص ۵۸-۶۵.
- 0 ایران، سه‌شنبه ۱۹ ذی‌قعدة ۱۳۲۰ ق، ش ۱۰۳۰، ص ۴
- 0 ایران، سه‌شنبه ۱۴ صفر ۱۲۸۹ ق، ش ۸۸، ص ۱.
- 0 ایران، یکشنبه ۷ شعبان ۱۲۸۸ ق، ش ۴۸، ص ۱.
- 0 ایران، سه‌شنبه، ۲۰ شوال ۱۲۸۸ ق، ش ۶۲، ص ۴.
- 0 ایران، جمعه ۲۴ رمضان ۱۳۰۹ ق، ش ۷۷۱، ص ۴.
- 0 اردوی همایون، یکشنبه شعبان ۱۳۰۰ ق، ش ۲، ص ۲.
- 0 فرهنگ، ۸ صفر ۱۳۰۲ ق، س ۷، ش ۲۸۳، ص ۴ و ۳.
- 0 وقایع اتفاقیه، پنجشنبه ۴ جمادی‌الاول، ۱۲۷۰ ق. ش ۱۵۷، ص ۲.
- 0 وقایع اتفاقیه، پنجشنبه ۲۷ شعبان، ۱۲۷۰ ق. ش ۱۷۳، ص ۲.
- 0 وقایع اتفاقیه، پنجشنبه ۵ ربیع‌الاول ۱۲۶۹ ق. ش ۹۸، ص ۲ و ۳.
- 0 وقایع اتفاقیه، پنجشنبه ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۲۷۰ ق، ش ۱۵۶، ص ۲.